

آغاز رزمایش «کنترل هوشمند

تنگه هرمز« نیروی دریایی سپاه

رزمایش «کنترل هوشمند تنگه هرمز» نیروی دریایی سپاه آغاز شد. رزمایش ترکیبی، گرم و هدفمند «کنترل هوشمند تنگه هرمز» با محوریت نیروی دریایی سپاه پاسداران و تحت اشراف، کنترل و پایش میدانی سردار سرلشکر «محمد پاکپور» فرمانده کل سپاه پاسداران، در منطقه راهبردی تنگه هرمز در حال برگزاری است.

بررسی آمادگی یگان‌های عملیاتی نیروی دریایی سپاه پاسداران، مرور برنامه‌های تأمینی و سناریوهای اقدام نظامی متقابل سپاه پاسداران در مواجهه با تهدیدات امنیتی ونظامی احتمالی در منطقهٔتنگه‌هرمزوپره‌گیری هوشمند از مزایای ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی در خلیج فارس و دریای عمان از مهم‌ترین اهداف این رزمایش محسوب می‌شود.

واکنش سریع، قاطع و فراگیر نیروهای عملیاتی سپاه پاسداران در قبال توطئه‌های ضدامنیتی در عرصه دریایی در کانون تمرین‌های اطلاعاتی و عملیاتی یگان‌های مستقر در این رزمایش قرار دارد.

■ ■ ■

لاریجانی:

ایران بر ترکیبی از مذاکره و بازدارندگی تکیه دارد

علی لاریجانی گفت: ایران دنبال جنگ نیست اما در برابر تهدید تسلیم نمی‌شود و بر ترکیبی ازمذاکره و بازدارندگی تکیه دارد. دبیر شورای عالی امنیت ملی در گفت‌وگو با شبکه الجزیره قطر اعلام کرد تهران برای ورود به مذاکرات هسته‌ای منصفانه‌ای که نگرانی‌ها را برطرف کند، بی‌آنکه به امنیت ملی کشور لطمه بزند، آمادگی دارد. او در عین حال تأکید کرد، رخنه‌های داخلی برطرف شده و محور مقاومت از شوک ترورهای اخیر عبور کرده است. دبیر شورای عالی امنیت ملی درباره مذاکرات اخیر در مسقط هم گفت هیچ پاسخ مکتوبی به مطالبات آمریکا با خود نبرده و آنچه انجام شده، صرفاً تبادل دیدگاه‌ها بوده است؛ روندی که همچنان ادامه دارد.

وی افزود: کشورهای منطقه نیز از دست‌یابی به راه‌حل سیاسی برای پرونده هسته‌ای ایران حمایت می‌کنند. لاریجانی تصریح کرد: تهران به مذاکرات مثبت می‌نگرد، به شرط آنکه این مذاکرات منصفانه و معقول باشد و به ابزاری برای اتلاف وقت یا تحمیل موضوعاتی خارج از چارچوب هسته‌ای تبدیل نشود.

او جلوگیری از دست‌یابی ایران به سلاح هسته‌ای را نقطه اشتراک بالقوه برای شکل‌گیری توافق دانست. وی همچنین تأکید کرد: ایران نظارت ژأانس بین‌المللی انرژی اتمی را در چارچوب معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) می‌پذیرد اما سخن گفتن از «فتی‌سازی صفر» را غیرواقع‌بینانه دانست و گفت: دانش هسته‌ای را نمی‌توان با تصمیم سیاسی حذف کرد و ایران نیازهای مشروع پزشکی و پژوهشی دارد. دبیر شورای عالی امنیت ملی گفت: برنامه موشکی ایران در مذاکرات اخیر مطرح نشده و این موضوع بخشی از منظومه امنیت ملی و بازدارندگی دفاعی کشور است و قابل مذاکره نیست. وی در پایان بار دیگر تأکید کرد ایران به دنبال جنگ نیست اما در برابر تهدید تسلیم نخواهد شد و بر ترکیبی از مذاکره و بازدارندگی تکیه دارد.

■ ■ ■

بقاتی:

در این دور از مذاکرات کارشناسان فنی ما هم حضور دارند

سخنگوی وزارت امور خارجه در تشریح جزئیات دور دوم مذاکرات ایران و آمریکا بیان کرد در این دور کارشناسان فنی حضور دارند. اسماعیل بقاتی دیروز دوشنبه درباره دور جدید مذاکرات هسته‌ای ایران و آمریکا در ژنو گفت: آقای عراقچی وارد ژنو شدند، هدف از این سفر انجام دومین دور مذاکرات هسته‌ای است که به‌صورت غیرمستقیم با میانجی‌گری عمان قرار است انجام شود. وی افزود: امروز چند برنامه دیگر هم وزیر امور خارجه خواهند داشت، دیدار با وزیر امور خارجه عمان که بعدازظهر خواهد بود. دیدار آقای عراقچی با رافائل گروسی،مدیر کل ژأانس بین‌المللی انرژی اتمی هم برگزار شد. آقای گروسی برای همین دیدار از وین به ژنو آمد. بقاتی درباره تیم ایرانی حاضر در این دور از مذاکرات گفت: قاعدتا مذاکرات هم جنبه‌های فنی دارد و هم جنبه‌های اقتصادی، سیاسی و حقوقی اما نقش جنبه‌های فنی مهم است؛ در این دور با تیم کامل آمدم، هم کارشناسان و هم افراد فنی در حوزه هسته‌ای حضور دارند، تیم ما کامل است و این نشان از جدیت ماست. وی با اشاره به مذاکرات عمان گفت: در جلسه اول، مذاکرات روی مباحث کلی متمرکز بود. همان‌طور که آقای وزیر اشاره کردند در آن جلسه روی ارزیابی جدیت طرف مقابل متمرکز بودیم؛ اینکه مطمئن شویم طرف مقابل جدیت دارد. موضوع رفع تحریم‌ها برای ما یک موضوع لاینفک است.دوستان اقتصادی ما پیگیر موضوع هستند. سخنگوی وزارت امور خارجه گفت: در بحث فنی هم کارشناسان فنی حضور دارند.

■ ■ ■

گروسی:

مذاکرات فنی عمیقی با عراقچی داشتیم

مدیر کل ژأانس بین‌المللی انرژی اتمی اظهار کرد مذاکرات فنی عمیقی با وزیر امور خارجه ایران داشته است، رافائل گروسی با اشاره به دیدار با سیدعباس عراقچی در ژنو در حساب رسمی خود در ایکس نوشت: همین الان مذاکرات فنی عمیقی را با وزیر امور خارجه ایران در راستای آمادسازی برای مذاکرات مهمی که قرار است فردا (آمروز) در ژنو برگزار شود، داشتیم. قرار است دومین دور مذاکرات هسته‌ای ایران و آمریکا امروز سه‌شنبه ۲۸ بهمن با میانجی‌گری وزیر امور خارجه عمان در ژنو موضوع برگزار شود.مستورکار این دور از مذاکرات صرفاً موضوعات مربوط به برنامه هسته‌ای ایران و رفع تحریم‌ها از سوی آمریکاست.

گروه سیاسی: رژیم صهیونیستی نه‌تنها نتوانسته روند رو به رشد تمایل ساکنان سرزمین اشغالی به جاسوسی برای ایران و همکاری اطلاعاتی علیه این رژیم را متوقف کند، بلکه حتی در مهار و کاهش سرعت این روند نیز توفیق چندانی نداشته است. افزایش مستمر پرونده‌های جاسوسی و حضور افراد از اقشار مختلف جامعه صهیونیست‌ها حکایت از آن دارد مساله از سطح یک «تهدید مقطعی» عبور کرده و حالا به یک بحران روزافزون امنیتی برای رژیم تبدیل شده است.

رژیم اشغالگر در یک سال اخیر مجموعه‌ای از روش‌ها را برای مقابله با این روند امتحان کرده است؛ از تشدید کنترل‌های امنیتی و افزایش احکام زندان تاطراحی کارزارهای رسانه‌ای – تبلیغاتی برای ترساندن ساکنان سرزمین اشغالی از پیمدهای همکاری با ایران، با این حال، ندوام بازداشت افرادی که به جاسوسی متهم می‌شوند، نشان می‌دهد این روش‌ها یا نتوانسته‌اند انگیزه‌های افراد برای همکاری اطلاعاتی را از بین ببرند یا اساسا در برابر سازوکارهای جذب و نفوذ ایران کارایی لازم را ندارند.

در چنین وضعیتی، تصمیم جدید رژیم صهیونیستی برای لغو تابعیت جاسوس‌ها را باید تلاشی برای عبور از ابزارهای ناکام در ایجاد بازدارندگی و ورود به حوزه مجازات هویتی دانست؛ یعنی ضربه زدن به بنیادی‌ترین مؤلفه شهروندی در سرزمین اشغالی که تعلق هویتی به دولت اسرائیل است. این اقدام احتمالا بیش از آنکه کارکرد عملی فوری داشته باشد، قرار است بار روانی بالایی ایجاد و این پیام را مخابره کند که همکاری با ایران نه فقط جرم امنیتی، بلکه به معنای حذف فرد از پیکره جامعه صهیونیست است.

در همین رابطه، رسانه‌های صهیونیست از جمله اسرائیل هیوم گزارش داده‌اند بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم دستور داده برای نخستین‌بار بندهای مربوط به «هقض وفاداری به دولت» در قانون تابعیت برای شهروندی که به جرم جاسوسی برای ایران محکوم می‌شوند، فعال شود. اهمیت این تصمیم آن است که این بند قانونی پیش‌تر عمدتا علیه عرب‌های اسرائیلی در پرونده‌های مرتبط با ترور یسم مطرح می‌شد و اکنون برای نخستین‌بار قرار است علیه شهروندان یهودی نیز به کار گرفته شود. همین موضوع نشان می‌دهد بحران جاسوسی به حدی برای تل‌آویو نگران‌کننده و خارج از کنترل شده که خطوط قرمز حقوقی و سیاسی پیشین نیز در حال شکستن است.

اما باوجود این تصمیم سختگیرانه حتی شین‌بت به عنوان نهاد امنیت داخلی رژیم صهیونیستی نیز نسبت به اثر گذاری آن خوش‌بین نیست. طبق گزارش اسرائیل هیوم، شین‌بت و صراحت اعلام کرده اقدامات پیشین نتوانسته روند رو به رشد

پرونده جفری ایپستین یکی از سیاه ترین و دردناک ترین پروژه‌های افشاشده است که پرده از تباهکارترین رفتارهای غیرانسانی برداشته‌است.این پرونده «شانه‌ای» است از سازوکاری که سال‌هاست زیر پوست تمدن حاکم جریان دارد. به نظر می‌رسد آنچه افشا شده، صرفاً شبکه‌ای از سوءاستفاده‌های جنسی یا انحرافات «فردی» نیست، بلکه پرده‌ای کنار رفته از پیوند «ثروت»، «قدرت»، «سیاست» و «صنعت سرگرمی» در نظامی که خود را مدافع آزادی و حقوق بشر معرفی می‌کند. جزیره خصوصی ایپستین، یک استعاره است، استعاره‌ای از فروپاشی مرز انسانیت که در آن آزادی بی‌مهار سرمایه به عاشیه امنی برای قدرتمندان تبدیل شده و توانست‌اند نقطه تعلیمی بسازند که قانون و اخلاق عملا بی‌اثر شود و نوعی حصار نامرئی شکل گیرد که اجازه می‌دهد هر کاری ممکن شود، حتی تسخیر بدن‌های کودکان. سخن از شبکه‌ای پیوسته از قدرت است؛ شبکه‌ای که در پیوند سرمایه، سیاست و نهادهای منزلت‌ساز عمل و مصونیت تولید می‌کند. در اینجا سیستم‌های محافظه‌کار و لیبرال، دانشمندان برنده نوبل و غول‌های فناوری، روسای دانشگاه و ستاره‌های سینما، همگی در یک جزیره – در یک پروژه – اشتراک دارند.

در روزهای اخیر، شبکه اجتماعی ایکس تحت مالکیت ایلان ماسک، در اقدامی که بیش از پیش ماهیت سیاسی و تبعیض‌آمیز آن را پررغم را آشکار می‌سازد، اقدام به حذف نشان تأیید آبی (Blue Tick) از حساب‌های کاربری چندمقام برجسته‌ایرانی کرد.این تصمیم که پس از گزارش‌های رسانه‌هایی مانند وایرد (Wired) و پروژه شفافیت تکنولوژی (Tech Transparency Project) اتخاذ شده،ادعای کندارائه خدمات پرمیموم به افراد تحت‌تحریم آمریکا، نقض قوانین تحریمی است. اما این تنها پوششی برای ادامه سیاست‌های خصمانه غرب علیه جمهوری اسلامی ایران است. تاکنون، تیک آبی حساب‌های افرادی مانند سیدعباس عراقچی (وزیر امور خارجه)، علی لاریجانی (دبیر شورای عالی امنیت ملی)، غلامحسین محسنی‌آزادی (رئیس قوه قضائیه)، علی‌اکبر ولایتی (مشاور رهبر انقلاب)، محمدباقر قالیباف (رئیس مجلس شورای اسلامی) و محمدجواد ظریف (وزیر اسبق امور خارجه) حذف شده است. همچنین، این روند به رسانه‌های رسمی مانند پرس تی‌وی، العالم، تسنیم و حتی حساب‌های وابسته به نهادهای حاکمیتی گسترش یافته که این امر نشان‌دهنده عمق این اقدام سیاسی است. جالب توجه است تیک‌های خاکستری (که نشان‌دهنده حساب‌های رسمی دولتی است) همچنان باقی مانده اما این تمایز تنها برای پنهان کردن ماهیت تبعیض‌آمیز اقدام است، زیرا تیک آبی به عنوان نماد اعتبار و دسترسی بیشتر، هدف اصلی یادداشت به بررسی این رویداد از منظرهای رسانه‌ای و سیاسی می‌پردازد؛ اینکه چنین اقداماتی نه‌تنها آزادی بیان را نقض می‌کند، بلکه نمادی از ریاکاری و استانداردهای دوگانه غرب در ادعای دفاع از دموکراسی و حقوق بشر است.

رژیم صهیونیستی افرادی که با ایران همکاری می‌کنند را به لغو تابعیت تهدید کرد

تهدید هویتی در برابر تهدید امنیتی



این افراد از طریق شبکه‌های اجتماعی جذب شده‌اند و در ازای دریافت پول یا رمز ارز، مأموریت‌هایی از سطح پایین (مانند عکسی از اماکن یا انتقال بسته‌ها) را آغاز کرده و بتدریج وارد مأموریت‌های حساس‌تر شده‌اند.اسرائیل هیوم نتیجه می‌گیرد این الگو بیانگر آن است که جذب نیرو برای ایران، نه به صورت استثنایی، بلکه به عنوان یک فرآیند تدریجی و سیستماتیک در جریان است. تاووم شناسایی و بازداشت مظنونان به جاسوسی، درست پس از اعلام تصمیم جدید دولت صهیونیستی مبنی بر لغو تابعیت نشان می‌دهد تهدید جدید نیز در عمل نتوانسته تأثیر فوری بگذارد. تنها چند روز پس از رسانه‌ای شدن تصمیم دولت صهیونیستی، رسانه‌های رژیم از بازداشت یک شهروند دیگر به اتهام جاسوسی برای ایران خبر دادند!

در همین رابطه روزنامه تایمز اسرائیل روز گذشته

ایپستین و استعمار انسان در سرمایه‌داری لیبرال

این پرونده افشای این حقیقت سرکوب‌شده است که «خلق جهان شمول لیبرالیسم» همواره با یک استثنا همراه بوده و این استثنا در مرکز جانیابی شده است.

اما مساله فقط غرب نیست؛ مساله، «روایت» است. روشنفکر ایرانی که سال‌هاست این نظم پوشالی تمدنی را افق نهایی رهای می‌پندارد، در برابر چنین رخدادی چه کرد؟ چند تحلیل ساختاری نوشته شد؟ چند پرونده جدی درباره نسبت سرمایه، سکسوالیته و قدرت در غرب منتشر شد؟ اگر نقد قدرت فقط هنگامی معتبر باشد که متوجه ساختارهای بومی باشد و در برابر شبکه‌های ساختاری جهانی سکوت کند، دیگر نام آن نقد نیست، بلکه بازتولید همان هژمونی است.

آقای سرروش! شما که زمانی مدعی «تفسیر پیامبرانه از جهان مدرن» بودید، چرا در برابر این هولوکاست جنسی که توسط سرمایه‌داران لیبرال و با حمایت فکری شما مدیریت شد، خاموشید؟

آقای ملکیان! «خلق باور»ی که برای ما ترسیم کردید، می‌تواند بر پایه ثروت، قدرت و امنیت نخبگان، آزادی و کرامت انسانی را به حراج بگذارد. این پرونده باآورد می‌شود استعمار انسان، ادامه همان منطق مستعمراتی است که امروز به جای

سرمزین‌رزان، بدن و اراده انسانی را هدف گرفته و جزایر خصوصی، حلقه‌های بسته قدرت و مناطق استثنایی، نمادهای عینی این استعمار توبینند.

حاکم و صدای ایران سر کوب می‌شود. در شرایطی که ایران با فیلترینگ داخلی روبه‌رو است، مقامات برای دیپلماسی عمومی و انتقال واقعیت‌ها به پلتفرم‌هایی مانند ایکس وابسته‌اند و این حذف آنها را وادار به مهاجرت به فضاهای کمتر جهانی مانند تلگرام یا آپارات می‌کند که این خود ضربه‌ای به تنوع رسانه‌ای و دسترسی جهانی است.

■ **منظر سیاسی: تشدید تحریم‌های ناعادلانه و افشای ریاکاری ماسک و غرب**

از منظر سیاسی، حذف تیک آبی بخشی از استراتژی گسترده‌تر آمریکا برای اجرای تحریم‌های یکجانبه علیه جمهوری اسلامی است؛ ابزاری برای فشار سیاسی. گزارش پروژه شفافیت تکنولوژی ادعا می‌کند فروش اشتراک پرمیموم به افراد تحریم‌شده نقض قوانین است اما این تنها بهانه‌ای برای ادامه جنگ اقتصادی و دیجیتال علیه ایران است. ایلان ماسک که شرکت‌هایش مانند تسلا و اسپیس‌ایکس از قراردادهای هفنگت دولتی آمریکاسودمی برند، نمی‌تواند مستقل عمل کند و این حذف را برای حفظ منافع شخصی و اجتناب از فشارهای به اصطلاح قانونی انجام داده.

این اقدام او که پیش‌تر خود را حامی آزادی بیان می‌دانست، حالا به عنوان چرخشی ریاکارانه دیده می‌شود و تنش‌های بین ایران و غرب را تشدید می‌کند. این رویداد در چارچوب کمپین گسترده‌تر غرب علیه جمهوری اسلامی قرار می‌گیرد، جایی که حتی فضای مجازی به عرصه‌ای برای اعمال تحریم تبدیل شده است. مقاماتی مانند عراقچی، لاریجانی و ازای که نقش کلیدی در سیاست خارجی، امنیت ملی و عدالت دارند، حالا بدون تیک آبی، اعتبار دیجیتال‌شان کاهش می‌یابد که این می‌تواند بر دیپلماسی عمومی و روابط بین‌الملل تأثیر منفی بگذارد. محمدجواد ظریف پیش‌تر از محدودیت‌های مشابه در ایکس انتقاد کرده و آن را مابعی برای انتقال «واقعیت‌ها» دانسته بود و حالا این حذف گسترده‌تر، این انتقادها را تأیید می‌کند.

گزارش داد فردی به نام «فارس ابوالبحاج» به اتهام جاسوسی برای ایران بازداشت شده است. طبق این گزارش، او مأمور جمع‌آوری اطلاعات درباره یواو گالات، وزیر جنگ سابق رژیم صهیونیستی بوده و به درخواست یک عامل ایرانی، از اطراف محل سکونت او در ایکام تصویربرداری کرده است.

تایمز اسرائیل همچنین توضیح می‌دهد این فرد که از طریق پیام‌رسان تلگرام جذب شده، مأموریت‌هایی نظیر مخفی کردن تلفن‌های همراه، انتقال گذرنامه‌های مرتبط با حساب‌های رمز ارز و تصویربرداری از اماکن مختلف در حیفا و تل‌آویسو را انجام داده و در ازای آن مالیعی به صورت ارز دیجیتال دریافت کرده است.

این رسانه صهیونیستی تأکید می‌کند این فرد، سومین مظنون به جاسوسی برای ایران است که طی ۲ هفته اخیر بازداشت شده؛کنشی که بخوبی استمرار موج ناتمام جاسوسی صهیونیست‌ها برای ایران را نشان می‌دهد.

طی ۲ سال گذشته دهها صهیونیست به اتهام جاسوسی برای ایران شناسایی و بازداشت شده‌اند. این روند از سال ۲۰۲۵ بویژه پس از جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران شدت بیشتری یافته است، به گونه‌ای که طبق گزارش رسانه‌های صهیونی، به طور میانگین تقریبا هر ماه یک پرونده جدید در این حوزه رسانه‌ای می‌شود.

این استمرار زمانی نشان می‌دهد مساله نه یک موج کوتاه‌مدت، بلکه یک روند پایدار امنیتی است که با تحولات میدانی و تنش‌های منطقه‌ای تشدید هم می‌شود.

نکته معنادار دیگر، تنوع اجتماعی افراد بازداشت‌شده است. در میان متهمان، افراد متعلق به اقشار مختلف جامعه اسرائیل دیده می‌شوند؛ یهودیان ارت‌دکس، مهاجران تازووارد و به طور ویژه نظامیان ارتش صهیونیستی. این تنوع نشان می‌دهد مساله جاسوسی برای ایران صرفا به یک قشر خاص از جامعه صهیونیست‌ها محدود نیست.

البته باید توجه داشت دهها پرونده صرفا امار اعلامی از سوسی شین‌بت و پراس اسرائیل است. به ادعان رسانه‌های صهیونیست، همه پرونده‌ها رسانه‌ای نمی‌شود و بخشی از شناسایی‌ها یا بازداشت‌ها به دلایل امنیتی از افکار عمومی پنهان می‌ماند. بنابراین امار واقعی صهیونیست‌هایی که به اشکال مختلف برای ایران و علیه اسرائیل اقدام به جاسوسی کرده‌اند، احتمالا خیلی بیشتر از ارقام رسمی است؛ واقعیتی که عمق بحران امنیت داخلی رژیم صهیونیستی را آشکار کرده و نشان می‌دهد سیاست لغو تابعیت، بیش از آنکه راه‌حلی ریشه‌ای باشد، واکنشی نمادین و دیر هنگام به روندی است که اکنون به سطح تهدید ساختاری برای امنیت رژیم رسیده است.

جهان، جزیره‌ای برای خرید و فروش انسان و نفوذ ساخته است. سکوت شما در برابر این رسوایی با تحلیل نکردن آن بر اساس همان «علم اقتصاد» که مدعی‌اش هستید، نشانگر چیست؟ آقای صادق زیباکلام! شما که شیفته آمریکا و دموکراسی‌اش هستید، حالا پاسخ دهید ایین «دموکراسی» چگونه با رئیس‌جمهوری که به تجاوز متهم است و نخبگانی که قاچاقچی انسان را دوست خود می‌دانند، سازگار می‌افتد؟

آقای سریع‌القلم! که سال‌ها پروژه توسعه‌یافتگی را دنبال می‌کنید و نسخه پیشرفت ایران را در پیوستن به نظم جهانی سرمایه‌داری تجویز می‌کنید، در برابر این جنایات هولناک چه موضعی دارید؟ این واقعیت همان تمدنی است که شما آن را الگوی توسعه و عقلانیت معرفی می‌کنید. جز این است که توسعه‌یافتگی در نظر شما، عادت‌وراهی ایدئولوژیک برای چشم‌پوشی از جنایات‌های ساختاری نظامی است که الگوی تان؟

پرونده ایپستین، آیینی‌ای شد که نشان داد «تمدن» چگونه می‌تواند بر پایه ثروت، قدرت و امنیت نخبگان، آزادی و کرامت انسانی را به حراج بگذارد. این پرونده باآورد می‌شود استعمار انسان، ادامه همان منطق مستعمراتی است که امروز به جای سرمزین‌رزان، بدن و اراده انسانی را هدف گرفته و جزایر خصوصی، حلقه‌های بسته قدرت و مناطق استثنایی، نمادهای عینی این استعمار توبینند.

منتقدان می‌پرسند:اگر تحریم‌ها واقعا برای حقوق بشر است، چرا ماسک و غرب با رژیم‌هایی مانند اسرائیل یا عربستان که سابقه‌ای طولانی در نقض حقوق بشر دارند، مشکلی ندارند؟ این استانداردهای دگانه، ادعای کمتر جهانی مانند می‌برد و نشان می‌دهد ایکس نه یک پلتفرم آزاد، بلکه ابزاری در دست سیاستمداران غرب برای کنترل روایت‌های جهانی است. علاوه بر این، این اقدام می‌تواند تنش‌های منطقه‌ای را افزایش دهد، زیرا ایران را وادار به جست‌وجوی گزینه‌های دیجیتال مستقل می‌کند که ممکن است به انزوا بیشتر غرب در فضای مجازی منجر شود و حتی به توسعه پلتفرم‌های بومی مانند آنچه در چین یا روسیه دیده می‌شود، بینجامد. ■ **نتیجه‌گیری: ضرورت مقاومت در برابر استعمار دیجیتال و توسعه استراتژی مستقل**

حذف تیک آبی مقامات و رسانه‌های ایرانی در ایکس، بیش از یک تغییر فنی، نمادی از استعمار دیجیتال غرب است که تحت پوشش تحریم‌ها و قوانین، صدای مخالفان را خاموش می‌کند. از منظر رسانه‌ای، این کار انتشار اطلاعات جعلی را تسهیل و تنوع را از بین می‌برد؛ از دیدگاه سیاسی، ادامه ریاکاری، فشارهای ناعادلانه و استانداردهای دوگانه است. جمهوری اسلامی باید با سرمایه‌گذاری در توسعه پلتفرم‌های داخلی و بین‌المللی مستقل –مانند تقویت شبکه‌های اجتماعی بومی یا همکاری با کشورهای همسو – به این چالش پاسخ داده و نشان دهد نمی‌توان با چنین اقداماتی اراده یک ملت را شکست. ماسک و غرب باید بدانند آزادی بیان واقعی، بدون تبعیض و فشار سیاسی است، نه ابزاری برای پیشبرد منافع ژئوپلیتیک. این رویداد، زنگ خطری برای همه کشورهای مستقل است که قربانی استانداردهای دوگانه غرب می‌شوند و بر ضرورت اتحاد جهانی علیه سلطه دیجیتال شرکت‌های آمریکایی تأکید می‌کند. در نهایت، این اقدام نه‌تنها ایران را قوی‌تر می‌کند، بلکه ضعف اخلاقی غرب را بیش از پیش افشا می‌کند.